

فستد و برسی کتاب

علی اکبر مهدی*

شکنجه و نوگرایی

بررسی و تشریح کتاب «شکنجه و نوگرایی: فرد، جامعه و دولت در ایران جدید»

از داریوش رجالی*

شکنجه یکی از زشت ترین و شنیع ترین ابزار کسب و حفظ قدرت است که از تاریخ و کاربردی بس طولانی و گسترده برخوردار می باشد. به جرأت می توان گفت که در اغلب نظام های سیاسی وجود داشته و دارد، چه در شکل حکومت های قبیله ای و امپراطورانه گذشته و چه در شکل حکومت های جدید دولت-ملت (NATION-STATE). آیا رشد تمدن معاصر و گسترش اندیشه دموکراسی به محو یا تضعیف شکنجه کمک کرده است؟ آیا با رشد صنعت و ساختارهای سیاسی جدید اشکال و انواع شکنجه نیز تغییر یافته اند؟ آیا امیدی به محو شکنجه هست؟ شکنجه در دنیای جدید چگونه و بر چه اساسی بکار گرفته می شود؟ اینها سئوالاتی هستند که با خواندن کتاب «شکنجه و نوگرایی»، اثر داریوش رجالی برای خواننده مطرح می گردند.

چکیده کتاب: داریوش رجالی به پیروی از نظریات فیلسوف فرانسوی میشل فوکو از عقلانی شدن (RATIONALIZATION) زندگی اجتماعی جدید و انضباط پذیری آن در تمامی حوزه های فردی و جمعی سخن گفته و معتقد است که دولت بعنوان یک نهاد فراگیر بنیانگذار نوگرایی در عصر جدید نقشی قیمومتی (TUTELARY) بعهده گرفته و سعی می کند با استفاده از نظم و انضباط (DISCIPLINE) شخصیت فردی و روابط جمعی جامعه را در جهت عقلانی شدن هدایت کند. گسترش عقلانیت و انضباط حاصله از آن باعث گسترش کنترل و دخالت نهادهای عمومی (دولتی) بر حوزه های فردی و خصوصی می شود و زمینه مناسب تری را برای ناتوانی فرد در مقابل آنها فراهم می آورد. نوگرایی و نوسازی در جامعه جدید شکنجه را، که در قدیم بمنظور ادب کردن افراد بکار گرفته

* علی اکبر مهدی دانشیار جامعه شناسی در دانشگاه وزلیین در ایالت اوها یو است.

* داریوش رجالی دانشیار علوم سیاسی در کالج رید در ایالت اورگان است.

می شد، به ابزاری عقلانی برای کنترل تبدیل می کند.

هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی، شکنجه در عصر جدید با عصر قدیم تفاوت بسیار دارد. در گذشته فرد میبایستی تشخیص می داد که بدن خود را چگونه مورد بهره برداری قرار دهد. اگر از آن استفاده نامناسب می کرد عضو یا اعضای از آنرا از دست می داد. شکنجه قدیم جنبه شعاعی (RITUALISTIC) و نمادین (SYMBOLIC) داشت و نوع و میزان آن بی ارتباط با نظام منزلتی (SOCIAL STATUS) در جامعه نبود. شکنجه نوعی علامت (SIGN) حاکمیت و قدرت نظام اجتماعی بر اندام قربانیانش بود و اغلب در ملا عام و به منظور تنبیه دیگران انجام می گرفت.

در دنیای امروز، شکنجه جنبه های نمادین خود را از دست داده و به ابزار کنترل فرد تبدیل شده است. شکنجه جدید از تمامیتی برخوردار است که هدفش نه مجازات جسم بلکه کنترل روح و روان محکوم است. امروزه شکنجه در سلول های دربسته و تاریک و مخوف، و با استفاده از آخرین تکنیک های طبی و تکنولوژیک انجام می گیرد. هدف این نوع شکنجه بیگانه کردن محکوم از دنیای درون و بیرون و تسلیم وی به اهداف کورسازمانی است. شکنجه بر اساس قواعد و ضوابطی انجام می گیرد که ناشی از عقلانیت اداری و سیاسی حاکم بر کل نظام اجتماعی است. در واقع شکنجه جزئی از نوگرایی است.

اگرچه نام ایران در عنوان کتاب آقای رجالی آمده است و ایشان از شکنجه و دگرگونی معنی و ماهیت و انواع کاربرد آن در ایران سخن می گوید، لیکن اساساً بحث ایشان طرح نظریه فرانو گرایانه (POSTMODERNIST) درباره نقش نظم و انضباط در آفرینش از خود بیگانگی و وابستگی سازمانی در زندگی معاصر است. ایران فقط نمونه ای است که ایشان برای اثبات نظریه خود بکار گرفته است. آنچه ایران را کاندید مناسبی برای پیاده کردن نظریه نویسنده می کند نه کم و کیف شکنجه و قربانیان آن در ایران بلکه تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی این کشور و انتقال آن از یک نظام سنتی به نظام عقلانی جدید در دوران پهلوی و سپس نظام اسلامی است.

با سقوط نظام شاهنشاهی، انتظار میرفت که شکنجه در ایران ملغی شود. بر اساس تحلیل رجالی، علیرغم ویژگی ها و دگرگونی های جدید، نظام کیفری جمهوری اسلامی میراث خوار نظام عقلانی دوران پهلوی است و تفاوت فاحشی با آن ندارد. همتافت شکنجه (TORTURE COMPLEX) در جمهوری اسلامی از آخرین روشهای عقلانی موجود برای ایجاد کنترل و نابودی دشمنان خود سود می جوید. تغییر رژیم تغییری در عملکرد نظام کیفری آن بوجود نیاورد چرا که ساختارهای اجتماعی ای که شکنجه را در دوران پهلوی

ضروری می کردند هنوز هم وجود دارند. شکنجه ناشی از ویژگی های خشونت طلبانه این یا آن رژیم سیاسی و اقتصادی نیست. اگر چنین بود میبایستی با ظهور و سقوط رژیم های سیاسی یا اقتصادی دگرگونی های ساختاری قابل ملاحظه ای در میزان و کاربرد شکنجه بوجود آید. در حالیکه حقایق تاریخ معاصر گویای واقعیتی غیر از این هستند. علیرغم دگرگونی های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی این قرن، کاربرد شکنجه همچنان پایدار مانده است. به نظر رجالی، بر عکس نظریات مارکسیست ها و انسان گرایان و لیبرالهای طرفدار توسعه، که هر یک امید زیادی به محو خشونت در مدینه فاضله خود بسته بودند، نظام های مطلوب این گروه ها هم در محو شکنجه مؤثر نبودند. علت این شکست را باید در نظام انضباطی ای که زیر بنای عصر نوگرایی است جستجو کرد.

بر اساس تحلیل فرانویگرایانه رجالی، شکنجه جزو لاینفک ساختارهایی است که به کاربرد انضباط متکی بوده و در تمام حوزه های زندگی معاصر یافت می شود. از مدرسه تا بیمارستان، ارتش تا وزارتخانه، نظام پزشکی تا نظام کیفری، حوزه های دینی تا حوزه های مدنی، همه و همه بر اساس نظم عقلانی و سازمان یافته ای شکل گرفته اند که در آن فرد ابزاری در خدمت اهداف نظام های تحمیلی است. نظام جدید شکنجه، نظام جهان شمول و در حال گسترشی است که بطور منظم و سازمان یافته به هر گوشه از زندگی معاصر رخنه کرده است. روشنفکران لیبرال و انقلابی ایران، چه در دوران مشروطه و چه در دوران پهلوی، خواستار برقراری نظام ارتباطات اجتماعی ای بودند که به حاکمیت انضباط و نظم در روابط فردی و اجتماعی منتهی می شد. روابطی که نهایتاً به ایجاد ارتش، آموزش و پرورش، سازمانهای پزشکی، پلیس، زندان، و غیره منتهی شده و زمینه سلطه بیشتر بر افراد جامعه را فراهم آورده است. ایرانیان شکنجه جدید را بعنوان ابزاری برای استنطاق پذیرفتند چرا که سازمانهای انتظامی و کیفری کشور تمامی ابزارهای لازم برای کاربرد آن را در اختیارشان می گذاشت. از آنجا که ساز و کار این سازمانها بر اساس سرکوب و خشونت بود، واکنش هایی که بوجود آورد نیز خشونت طلب بود و چرخش دایره خشونت را سرعت بخشید. رشد شهرها و نوسازی اقتصادی و اجتماعی باعث رشد جرم و جنایت و سقوط اخلاقی جامعه شد و دولت را برانگیخت که نقشی قیمومتی بخود بگیرد. دولت نظم و قیمومیت را بطور همزمان بکار گرفت و گروه های مختلف زنان، فقرا، بچه ها، طبقه کارگر، و غیره را تحت کنترل خود درآورد. این همه البته در یک مقطع تاریخی به ثبات سیاسی پهلوی ها کمک شایانی کرد.

کتاب شکنجه و نوگرایی اساساً شهادتی بر علیه نوگرایی معاصر است. جوامع لیبرال

غرب نه تنها هیچ کمکی در جهت دفع شکنجه نکرده اند بلکه با علمی و طبیبی کردن آن باعث شده اند که شکلی بس پیچیده تر و غیر قابل تعقیب تر بیابد. گزارش آخرین نشست محققان و کارگزاران حقوق بشر درباره شکنجه را می توان سند جدیدی برای ادعای رجالی در این مورد دانست. براساس این گزارش، دولت های شکنجه گر معاصر با استفاده از طب جدید سمی در بکارگیری انواعی از شکنجه دارند که هیچ اثری روی بدن قربانی خود باقی نگذاشته و امکان کشف آنرا برای مأموران حقوق بشر غیر ممکن می کند.

ارزیابی کتاب: اگر چه رجالی بیش از حد متکی به نظریات فرانو گرایانه میشل فوکو است، لیکن تحلیل وی خالی از ابتکار و نقطه نظرات مستقل نیست. وی از دیدگاهی ناقدانه و نکته بین برخوردار است که او را بنحودیاالکتیکی هم ناقد و هم حامل تحلیل فوکو می کند. تحلیل وی از نوگرایی و اثرات آن بر فرد و جامعه هم پیچیده است و هم سرشار از ظرافت های اندیشمندانه. یکی از ویژگی های برجسته این اثر برخورد تطبیقی و مقایسه ای آن می باشد. نویسنده دائماً در مسیر تاریخ به پس و پیش رفته و شکنجه و نهادهای وابسته به آن را هم در بعد همزمان و هم در بعد ناهمزمان مقایسه می کند. با توجه به اینکه این اثر بیشتر جنبه فلسفی و نظری دارد تا جنبه توصیفی - عینی، زبان و بیان رجالی هم گویاست و هم دلنشین. این کتاب نه تنها برای خوانندگان ایرانی بلکه برای همه کسانی که علاقمند به شناخت بهتری از سازو کار نظامهای عقلائی کیفری و قیومیتی معاصر هستند مفید است.

درحالیکه کتاب دربرگیرنده تحلیلی ارزنده و ستایش آمیز است، خالی از اشکال نیست. کتاب بیش از حد به منابع ایرانی دست دوم متکی است. به کنار هم آوردن پاره های جملات پژوهشگران مختلف برای اثبات یک نظریه به استعدادی ترکیبی نیاز دارد که نویسنده بنحوشایانی از آن برخوردار است. اما کاربرد بیش از حد نقل قول و ترکیب و استفاده بریده بریده شده از آنها بدون توجه به مرزهای زمانی، مکانی، آرمانی، نظری، و غیره مشکل زاست. بسیاری از جملات نقل شده متونی هستند که دلایل وجودی اولیه شان نه ارتباطی به بحث های مطرح شده توسط نویسنده دارد و نه از کلیتی برخوردارند که بتوانند بعنوان شاهی برای بحث انضباط و قیومیت نهادی و شکنجه بکار گرفته شوند. اغلب این روایات در متون اصلی خود اشاراتی هستند به شرایط و موضوعاتی کاملاً متفاوت با موضوع نویسنده. مثلاً نقل قول های متعددی که برای وجود فساد در جامعه ایران بکار گرفته می شود از کسانی است که با دیدگاهی ویژه عملکردی مشخص یا هدفی خاص را مورد بررسی قرار داده اند. معنی «فساد» برای افرادی همچون محمد رضا پهلوی، روح الله

خمینی، روانشناسی مثل ناصرالدین صاحب زمانی، جرم‌شناسان، مذهب‌یون، و سیاستمداران یکسان نبود. همین امر در مورد کاربرد واژه «انضباط» و «نظم» در نوشته‌ها و سخنرانی‌های روشنفکران و سیاستمداران و روحانیون ایرانی صد سال گذشته صادق است. اشکالات نظری کتاب تا حد زیادی مربوط به نظریه ایست که این تحقیق بر اساس آن شکل گرفته است. آیا واقعاً نظم و انضباط پدیده‌های جدیدی هستند که با نوگرایی آغاز می‌شوند؟ ادب و انضباط از مهمترین بخش‌های اخلاق اسلامی و جزئی از فرهنگ ایرانی است که محدود کردن آن به دنیای نوگرایی خالی از اشکال نیست. کتاب‌هایی همچون اخلاق ناصری، گلستان سعدی و دهها کتاب مختلف مذهبی همواره راهنمای اخلاقی عام و خاص جامعه ایرانی بوده است. قیومیت نیز پدیده جدیدی نیست. نهادهای قیومیتی از زمانهای دور در ایران قبل و بعد از اسلام، وجود داشته است. تغییر و تحول این مفاهیم و نهادها از نظام اخلاقی و اجتماعی سنتی به نظام سازمان یافته و عقلانی دولت-ملت جدید بی‌شک مستلزم پژوهش و تفحص است. قیومیت‌پذیری دولت در عصر جدید اگرچه بی‌ارتباط با فراگرد عقلانی شدن روابط اجتماعی نیست، ولی معلول مستقیم آن هم نیست. شرایط اقتصادی و سیاسی رویکرد دولت به چنین نقشی و زمینه‌های فراهم آورنده آن در جامعه نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

این کتاب بیشتر از آنکه نقد شکنجه در ایران باشد، نقد عقلانیت و لیبرالیسم غربی است که نهاد شکنجه را بازسازی کرده و بدان پایگاه و امکاناتی بخشیده است که هرگز در نظام‌های سنتی گذشته از آن برخوردار نبود. اگرچه این کتاب به گنجینه مطالعات شکنجه و انتقاد از نوگرایی می‌افزاید و انتشار آنرا باید خیر مقدم گفت. خوانندگان که قربانی شکنجه‌های دولت‌های ایرانی بوده‌اند نه جای پای خود را در این کتاب می‌یابند و نه با خواندن این کتاب امید زیادی برای محو شکنجه حاصل می‌کنند. کتاب کمتر اشاره‌ای به مبارزات عینی و تاریخی برای محو شکنجه توسط زندانیان و مخالفان شکنجه می‌کند. رجالی به ماهیت ضد انسانی شکنجه واقف است و حضور آنرا در تمدن قدیم و جدید شر و شرم آور بر می‌شمارد، لیکن توجه لازمی به ویژگی سیاسی شکنجه در ایران معاصر نمی‌کند. در سراسر کتاب انسان احساس می‌کند که زندانی / محکوم موجودی منفعل و بی‌دست و پاست که شکنجه‌گر هر بلاتی دلش بخواهد بسرو می‌آورد. چگونگی و میزان شکنجه می‌تواند در کشورهای مختلف یکسان باشد، لیکن همانطور که نویسنده بدرستی از نقش فرهنگ یاد می‌کند، ذهنیت و فاعلیت تاریخی قربانیان شکنجه در ایران با قربانیان شکنجه در دیگر کشورها، بخصوص کشورهای غربی، یکسان نیست. عمل دو شکنجه‌گر در دو

کشور متفاوت می تواند ضرر و زیان یکسانی را بر جسم و جان یک زندانی بوجود آورد، لیکن «معنی» این شکنجه و عواقب آن در این دو جامعه و برای این دو قربانی لزوماً یکسان نیست. نویسنده توجه کافی به نقش فرهنگ مقاومت و مبارزه و ارتباط دیالکتیکی آن با فرهنگ خشونت و ظلم نداشته و با تاکید بیش از حد به پیچیدگی و گستردگی قدرت عقلانی نهادهای شکنجه و شکنجه گران، قربانیان این پدیده را تبدیل به موجودات بی قدرتی می کند که گویا اختیاری در انتخاب سرنوشت خود ندارند. بسیاری از زندانیان سیاسی یا پذیرش سخت ترین شکنجه هاس سعی دارند که آسیب پذیری نظامهای دیکتاتور و عدم توانایی آنها را در نفوذ به روح و جان خود باثبات برسانند. نگاه به شکنجه از نقطه نظر قربانیان آن، مفهوم و معنی دیگری را از شکنجه بدست می دهد. حتی در مثال هایی که رجالی از شکنجه های عمومی در دوران قاجار ارائه می دهد، ما شاهد مفهوم بخشی به مرگ محکوم توسط خود وی هستیم. قرائت شعر توسط سلیمان خان با اظهار بیانات میرزا رضا کرمانی خود گویای اینست که این محکومان عمل خود را در نظامی متفاوت از نظام حاکم معنی می کردند. شکنجه علاوه بر ایجاد نوعی درد و صدمه در چشم و جان محکوم، نوعی رابطه اجتماعی بین شکنجه گر و شکنجه شونده است. مقاومت و استقامت فردی که شکنجه می شود بیانگر ضعف و عدم موفقیت آرمان و ساز و کار نظامی است که وی را قربانی حاکمیت خود کرده است. میزان و نوع مقاومت محکوم گاه تأثیری بسا کارآمدتر و پرموام تر از اعمال شکنجه گر دارد. نمونه های تاریخی زیادی از مقاومت های افسانه ای وجود دارند که حتی یادآوری خاطره آنها لرزه بر اندام رژیم های شکنجه گر می اندازد. البته باید خاطر نشان کنم که نویسنده خود واقف به این امر هست که شکنجه در نهایت کارآمد نیست و نمی تواند مخالفان یک رژیم را کاملاً محو یا خنثی کند.

و بالاخره در انتها باید از احساس نومییدی ناشی از دیدگاه فرانویگرایانه نسبت به شکنجه نیز یاد کرد. گویا شکنجه آنچنان با ابعاد ساختاری زندگی نوگرایانه در هم آمیخته است که برای فرار از آن ایشان یا باید قافله نوگرایی را بمنظور بازگشت به گذشته سنتی ترک کند و یا اینکه از خود بیگانگی و ناامنی و عدم اطمینان دنیای جدید را بپذیرد. آیا واقعاً ما در چنان پرتگاهی قرار گرفته ایم که انتخابی جز ایندو نداریم؟ آیا کلیت بخشی به تمدن جدید مخاطره ای در محدود کردن افق تجربیات و امکانات ما نیست؟ رجالی از بی اعتباری مدینه فاضله مارکسیست ها، انسان باوران، و توسعه طلبان سخن بسیار می گوید، لیکن توجهی به برهوت فرانویگرایانه ای که در آن انسان در مقابل آینده خود

ناتوان جلوه می کند ندارد.

برای رجالی، توصیف ماکس وبر از دنیای عقلاتی جدید بعنوان «قفسی آهنین» هم اینک به وقوع پیوسته است. بنظرویی پایداری و بقای شکنجه در دنیای جدید ارتباطی با عوامل روانی، اقتصادی، سیاسی، و ارزشی ارائه شده توسط نظریه پردازان ندارد. شکنجه زائیده ارتباطی است که بین شکنجه و فراگرد عقلاتی شدن بوجود آمده است. بعبارت دیگر، رمز بقای آنرا باید در عادات و رفتار خود در زندگی روزمره بیابیم. در مورد ایران و ایرانیان، بنظر رجالی، «بنظر میرسد شکنجه جدید جزیی از فراگردی باشد که در آن افراد - چه شکنجه گر، چه نگهبان، چه سیاست مدار و چه زندانی - به موجوداتی وابسته، غیر سیاسی، و غیر اجتماعی تبدیل می شوند. این افراد از همان شیوه معین تعقل سود می جویند که در اجرای همتافت شکنجه بکار گرفته می شود.» (صفحه ۱۷۶-۱۷۵).

با نفی و نقد نظام عقلاتی ای که اینچنین از شکنجه استفاده می کند، رجالی راه حلی عملی برای محو یا کاهش شکنجه ارائه نمی دهد. بنظرویی نظام عقلاتی معاصر شکنجه را بیشتر و گسترده تر کرده است. آیا برای محو شکنجه باید نظام عقلاتی و سازمانی زندگی معاصر را دگرگون کرد؟ به چه نحو و در چه جهت؟ نویسنده به این اکتفا می کند که باید درباره نحوه کاربرد و کارآمدی شکنجه مطالعات بیشتری انجام داد. تاکید بیش از حد به «چگونگی» شکنجه و ارتباط آن با عقلانیت معاصرویی را از چون و چرانی که می توانست راه گشای قربانیان شکنجه باشد غافل می دارد.

در کتابخانه مهرگان

کتابهای رسیده

حکمت و حکومت

نویسنده: دکتر مهدی حائری یزدی

ناشر: انتشارات شادی، تهران

این کتاب فشرده ای از دیدگاههای فلسفی و فقهاتی و سیاسی مولف را در مسائلی مانند هستی و چیستی، اصالت وجود و یا اصالت ماهیت، وظایف اصلی و بنیادی حکومت، فردیت، استقلال، آزادی و حاکمیت ملی و سرانجام موضوع ولایت فقیه را دربر می گیرد. دکتر مهدی حائری یزدی از معدود کسانی است که علاوه بر کسب درجه اجتهاد در حوزه های علمی داخلی عالی ترین درجات تحصیلی را در قلمرو فلسفه و ادبیات در معتبرترین دانشگاههای غربی نیز پیموده است.

کتاب حاضر اثری است سنگین و پرمحتوا که احاطه مولف را به موضوعاتی که در آن طرح شده می رساند. یکی از مهمترین بخشهای کتاب بخشی است که نویسنده در آن با بیانی مستدل و برهانی محکم نظریه ولایت فقیه را که استبداد مذهبی حاکم بر ایران بر اساس آن بنیان یافته است رد می کند.

عرفان به عنوان زیربنای هویت تاریخی و ملی ایرانیان

نویسنده: دکتر مسعود کریم نیا

آنچه که در این کتاب آمده متن سخنرانی مولف در مرکز فرهنگی ایرانیان مقیم هانور، در فوریه ۱۹۹۷ است. آقای کریم نیا در این کتاب اهمیت عرفان ایرانی را به عنوان زیربنای هویت ملی و تاریخی ایران به طرز شیوا و جامع تشریح کرده است.

سیستم های حقوقی کشورهای اسلام (چاپ دوم)

مؤلفان: کنت رابرت رودن، سید حسن امین

مترجمان: محمد رضا ظفری، فخرالدین اصغری

ناشر: مرکز کتاب، لندن

این کتاب ترجمه فارسی ۱۰ فصل منتخب از دو کتاب مستقل را درباره «سیستم های حقوقی کشورهای اسلامی» در بر می گیرد. کتاب نخست در سال ۱۹۸۵ توسط سید حسن امین استاد دانشگاه گلاسکو و کتاب دوم در سال ۱۹۸۹ به وسیله کنت رابرت رودن، استاد دانشگاه ویرجینیا تألیف یافته است. کتاب حاضر حاوی اطلاعات مفیدی پیرامون نظام حقوقی و ساختار حکومتی کشورهای اردن، امارات متحده عربی، ترکیه، عربستان سعودی،

عمان، قطر، کویت، لبنان، لیبی و مصر است.

قانون مدنی ایران Civil Code of Iran

معرفی و ویراستاری از: سید حسن امین

این کتاب که نام ناشر آن ذکر نشده مشتمل بر ترجمه انگلیسی قانون مدنی فعلی ایران و توضیحاتی درباره فصول مختلف این قانون است. در این کتاب مباحثی چون مالکیت، اسباب تملک، عقود و تعهدات، ارث، وصیت و سرپرستی و قیمومت اطفال مطرح شده است.

جمعیت های سری و فراماسونری

مؤلف: امیر نجات - ناشر: سازمان فرهنگی شرق

چاپ سوم: ۱۹۹۷

«جمعیت های سری و فراماسونری» عنوان کتاب نسبتاً قطوری است که به گفته مؤلف تاریخچه فشرده ای از این جمعیت ها را با تکیه بر پیدایش فراماسونری در ایران و نقش فراماسونها در انقلاب مشروطیت در بر می گیرد. این کتاب حاوی اسناد بسیاری از چگونگی فعالیت فراماسونها در ایران و تشکیلات گوناگون آن در کشورما از دوران قاجاریه به این سو است. در کتاب حاضر ایرادهای متعددی بر کار اسمعیل راین که چند سال قبل از انقلاب شرح مفصل فراماسونری را در سه جلد کتاب منتشر نموده بود، گرفته شده و پاره ای غرض ورزی ها و شیوه های کاروی در تحریف از اسناد بازمانده یانده شده است. نویسنده بنیانگذاران فراماسونری در ایران را بطور تنگاتنگ با مبارزات آزادیخواهی در ایران و بویژه دامن زدن به انقلاب مشروطیت پیوند داده است. هرچند که سمت گیری و لحن مساعد مؤلف نسبت به فراماسونری ممکن است خوشایند همگان نباشد اما پژوهشهایی که در این زمینه انجام گرفته کاملاً جدی است و اطلاعاتی که در این کتاب درباره جمعیت های فراماسونری در دسترس گذاشته شده پر دامنه و درخور توجه است.

قدرت و رهبری و پیام کرشمه ها، ایما شناسی

نویسنده: دکتر انوشیروان مگری

در دو کتابی که با عناوین بالا انتشار یافته نویسنده با بیانی تحلیلی و روشن چند بحث

عمده را مطرح می‌کند. در کتاب نخست از «ذهنیت و عینیت، تفکر و واقعیت، اجبار و آزادی، مسئولیت و قدرت و رهبری» سخن رفته است و در کتاب دوم نویسنده به مدد گرفتن از آثار برخی از سراینندگان معاصر کوشیده است زبان اشارات و به قول خود «پیام کرشمه‌ها» را برای خوانندگان بگشاید و تشریح کند. این هر دو کتاب توسط خود نویسنده در کالیفرنیا انتشار یافته است.

فمینیسم، دموکراسی و اسلام‌گرایی

نویسنده: نیره توحیدی

توزیع کننده: کتاب سرا، لوس آنجلس

نیره توحیدی که تحصیلات تخصصی خود را در رشته روانشناسی و جامعه‌شناسی در ایران و آمریکا به انجام رسانده و در دانشگاه‌های یوسی ال ا، مینه سوتا و هاروارد سابقه تدریس دارد، در کتاب خود «جنبش فمینیستی» زنان ایرانی و گرایشهای گوناگونی را که در این جنبش وجود دارد و بویژه آنچه که در این زمینه در ایران در شرایط اختناق مذهبی و اجتماعی می‌گذرد بررسی کرده است.

زمزمه در باد

مجموعه شعر

سراینده: فریدا صبا

از انتشارات IRTV

چاپ اول: ۱۹۹۷

دفتر «زمزمه باد» ۷۸ قطعه از سروده‌های فریدا صبا را دربر می‌گیرد. سراینده این مجموعه تحصیلات تخصصی خود را در رشته روزنامه نگاری و تلویزیون انجام داده و اکنون به کار تولید و کارگردانی تلویزیونی اشتغال دارد.

نادرنا در پور شاعر پیشکسوت معاصر، شعرهای فریدا صبا را به عنوان «رنگوازه» توصیف کرده و خاطر نشان کرده است که هرچند در اشعار این سراینده تاثیر بسیاری از شاعران معاصر را، از نیما گرفته تا فروغ می‌توان دید ولی سروده‌های او قوت و طراوت خاص خود را دارند.

رستم می میرد

مجموعه داستان

نویسنده: حسین جعفری

ناشر: نشر کتاب

چاپ اول: ۱۹۹۷

این نخستین مجموعه ای است از داستانهای کوتاه که تحت این قلم انتشار می یابد. داستانها غالباً دارای پیامهای اجتماعی و بعضاً سیاسی هستند و نویسنده با مهارت گوشه های گوناگونی از زندگی ایرانیان را چه در داخل و چه در خارج ترسیم کرده است. اکثر داستانهای کتاب با ماجراهایی از دوران غربت نشینی ایرانیان، بویژه در امریکا ارتباط پیدا می کند. داستانهای «عیادت»، «خواجه بهرام»، «برقانی» و «رستم می میرد» از جمله قطعات بسیار خواندنی کتاب بشمار می روند.

سفلیس تنهایی

نویسنده: خ. توز

از انتشارات زن ایرانی، کانادا

چاپ اول: ۱۳۷۵، تورنتو

این مجموعه ۶ داستان کوتاه را در بر می گیرد. نگاهی به برخی از این داستانها نشان میدهد که نویسنده در کار داستان نویسی بی تجربه نیست.

نخستین داستان کتاب به نام «سفلیس تنهایی» که نام آن بر کل مجموعه نهاده شده از زبان مردی نقل می شود که مسئول بخشی از یک زندان است که در آن زندانیان محکوم به اعدام نگاهداری می شوند. او با لحنی گرم پاره ای از مشاهدات و تجربه های خود را خطاب به شخصی که ظاهراً مهمان اوست تعریف می کند...

در کوچه باغهای مه آلود تهران

نویسنده: مهیاد

چاپ اول: ۱۳۷۵

این کتاب که به نظر می رسد ناشر آن خود نویسنده باشد، مجموعه ای است از چندین قطعه منشور که قالب مشخصی ندارند. در این قطعات که زیر نامهای صور فلکی مانند قوس و دلو و حوت و جوزا تنظیم شده افکار آشفته ای بیان می شود که گاه حالتی شعرگونه پیدا

میکنند و گاه به صورت داستانی سوررئالیستی در می آید. کتاب در لوس آنجلس انتشار یافته است.

برهنه در باران

مجموعه شعر آزاد

سراینده: ماهان

چاپ اول: ۱۹۹۶، سوئد

سروده های این مجموعه که لحنی تمثیلی و محتوایی آشکارا سیاسی دارند «به صفوف تیربارانها، به خردسالان میدانهای مین، به اسیران و جانبازان و تبعیدیان و به دوستی که دیگر نیست» هدیه شده اند. اشعار کتاب بعضاً از قوت بیان نسبتاً خوبی برخوردارند و خواننده بدون تاثیر پذیرفتن از کنار آنها نمی تواند بگذرد. در میان قطعات موثر کتاب می توان به شعری که به سعید سلطان پور، مبارز چپ گراییی که پس از انقلاب در شب عروسی خود توسط کارگزاران نظام ولایت فقیه دستگیر و تیرباران شد، هدیه شده است.

تابستان شاد، مجموعه داستان

نویسنده: سیروس سیف

ناشر: انتشارات آرش

چاپ اول: ۱۳۷۳، استکهلم

در سالهای اخیر نسل جدیدی از داستان نویسان جوان ایرانی مقیم خارج انتشار آثار خود را آغاز کرده اند. هرچند که تاکنون چهره شاخصی که درخور مقایسه با داستان نویسان معتبر داخل کشور باشد، خود را نشانسانده است، ولی بسیار طبیعی می نماید که در میان این آثار داستانی، سرانجام تعدادی از آنها ارزش خود را تثبیت کنند. «تابستان شاد» نیز یکی از همین آثار است. این کتاب مجموعه ای است از چند داستان کوتاه که در آنها وقایع زندگی قهرمانان با زبانی ساده و گاه سخت محاوره ای دنبال شده است.

یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر

ناشر: مرکز شفاهی یهودیان ایرانی

چاپ اول: پائیز ۱۹۹۷

این کتاب مجموعه سخنرانیهایی را که در دومین کنفرانس بین المللی سالانه مرکز

تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی از ۹ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۹۶، در شهر لوس آنجلس برگزار شد دربر می گیرد.

مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی در ماه اوت ۱۹۹۵، با همکاری ۱۶ سازمان یهودی ایرانی در این شهر بنیاد گرفت. این مرکز به عنوان یک سازمان غیرانتفاعی به ثبت رسیده و هدف از ایجاد آن گردآوری اسناد و مصاحبه با افرادی است که در دهه های معاصر به گونه ای بر مسیر زندگی یهودیان ایرانی اثر گذاشته اند.

کوشش برگزار کنندگان این کنفرانس چنان که در مقدمه کتاب آمده مصروف بر این بوده است که بین نسلهای گذشته و آینده یهودیان ایرانی، از طریق نسل حاضر، «یک پل ارتباطی ایجاد» کنند.

طرح مربوط به برگزاری کنفرانس سالانه توسط هما سرشار نویسنده و روزنامه نگار مقیم لوس آنجلس ارائه شده است.

بخشی از برنامه دومین کنفرانس بین المللی یهودیان ایرانی در لوس آنجلس به بزرگداشت مشفق همدانی، مترجم معروف اختصاص داشت که طی آن نادر نادر پور شاعر نامدار معاصر سخن گفت. دیگر سخنرانیهایی که در جریان این کنفرانس برگزار شد و نام سخنرانان به شرح زیر بود:

- زن ایرانی و یهودیت، پروانه صراف، نیویورک
- مهاجرت یهودی ایرانی به ارض موعود، داوید منشری، تل آویو
- انقلاب مشروطه نخستین گام برای مبارزه با یهودی ستیزی در ایران قرن بیستم، ژانت آفاری

- تاریخچه آلیانس اسرائیلی در ایران، هما ناطق
- بچه مسلمون ناف محله، صدرالدین الهی، برکلی
- یهودیت ایران و اسلام در آثار شعرای یهود ایران، داوید بروشلمی، تل آویو
- یهودیان ایرانی و موسیقی، الن شائولی، پاریس
- قالبهای یهودی ایرانی، آنتون فلتون، لندن

خیام و آن دروغ دلاویز

نویسنده: هوشنگ معین زاده

در این کتاب که ظاهراً توسط خود مولف در آلمان انتشار یافته، نویسنده با مدد گرفتن از افکار اندیشمند و شاعر بزرگ خیام، موضوع جهان بعد از مرگ و مسئله معاد را در قالب

یک داستان بررسی می کند. در این داستان خیام و ابن سینا، با پیامبرانی چون موسی و محمد و عیسی و زرتشت در «دادگاه عدل الهی» به بحث و گفتگو می نشینند.

و سپس آفتاب، دفتر شعر

سراینده: مهرانگیز رساپور

ناشر: مرکز کتاب، لندن

این کتاب مجموعه ای است از چندین قطعه شعر در قالب رباعی و غزل، در آنها موضوعات گوناگونی از عشق و احساس گرفته تا برخی مسائلی که در حال حاضر مبتلا به ایرانیان غربت نشین است مطرح شده است.

منطق عارفان

داستان منظوم «بوذاسف و بلوهر حکیم»

سراینده: حجت الاسلام علینقی امین

ناشر: دفتر نشر طیب، قم

داستان بوذاسف و بلوهر حکیم بطوریکه در یادداشت آغاز کتاب آمده داستانی است که نخست توسط شیخ صدوق نقل شده، سپس محمد باقر مجلسی آن را در کتابهای «الروضه» و «عین الحیوة» خود آورده است و بعد از او نیز تنی چند از دیگر مولفان مذهبی نیز به آن پرداخته اند. متن حاضر که صورت منظوم دارد در سال ۱۳۲۶ شمسی توسط علینقی امین که در حال حاضر با عنوان حجت الاسلام امام جماعت مسجد تهران پارس است فراهم آمده است.

آیندگان

نویسنده: محمد رضا کیافر

نویسنده این کتاب چنانکه خود در مقدمه اشاره کرده آن را در یکی از زندانهای آلمان به رشته تحریر درآورده است. کتاب مشتمل بر سه قسمت است. بخش اول به شرحی درباره موقعیت معاصر ایران از نظر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی اختصاص دارد. بخش دوم خاطرات نویسنده را در بر می گیرد. در بخش سوم نویسنده «مدینه فاضله» ای را که برای رستگاری نوع بشر در ذهن دارد معرفی می کند. کتاب با نثر روانی نوشته شده.

خبر و نظر

استکبار جهانی یک دشمن خیالی است که نظام فقها برای ترساندن و خفه کردن مردم تراشیده است

نظام فقها برای ترساندن و خفه کردن مردم یک دشمن خیالی برای آنها خلق کرده است که از یکطرف هر معترض و منتقدی را با همکاری با استکبار جهانی متهم سازد، از طرف دیگر همه ناکامیها و شکستهای خویش را بگردن استکبار جهانی بگذارد.

نظام فقها برای بستن دهان مردم بدین حيله متوسل شده است که اعتراضها و انتقادهای مردم را عیناً از زبان استکبار جهانی در جرائد و سخنرانیها منعکس می کند تا معترضین را به بلندگوهای استکبار متهم سازد، در صورتی که نه تنها غرب دشمن رژیم و اسلام نیست بلکه از پشتیبانان پر و پا قرص این نظام است.

غرب از یک کشور جهان سومی مانند ایران چه می خواهد؟ غارت منابع طبیعی و نفت آن به قیمت نازلی که خودتعیین می کند، بازاری که بتواند متاع و مواد و محصولات صنعتی، حتی گندم و برنج و دانه مرغ و علوفه گاو و گوسفند را در آن آب کند و قیمت همه اینها را نیز خود تعیین می کند. بنا بر این نظام فقها نظام ایده آل غرب است. مگر غرب دیوانه است با مخالفت با چنین رژیمی منافع مسلم و بادآورده خود را به خطر اندازد؟

بزرگترین خطر برای غرب و کشورهای صنعتی سقوط این رژیم و روی کار آمدن یک نظام مردمی است. در چنین نظامی است که غرب و آمریکا همه منافع نامشروع خود را از دست خواهد داد. بنا بر این دشمن واقعی ملت ایران نظام ولایت فقیه است که با ایجاد خفقان، جامعه را از رشد و شکوفایی فکری و فرهنگی و بالتیجه استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بازداشته است و با وابسته کردن اقتصاد کشور به عایدات نفت و غرب و آمریکا منافع نامشروع آنها را تامین میکند.

مقاله زیر یکی از سلسله مقالات کیهان، ارگان خامنه ایست، که برای بستن دهان مردم افکار و اعتراضهای آنها را از زبان استکبار به رشته تحریر درآورده است.

نگاهی به ابعاد اجتماعی و فرهنگی تهاجم استکبار جهانی به انقلاب اسلامی
محور اصلی تلاشهای اجتماعی - فرهنگی دشمنان انقلاب برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی، تبلیغ برای جهت دهی گرایش مردم به فرهنگ غربی است. رسانه های

گروهی غرب تلاش می کنند با سازمان دادن یک تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه، ضمن القاء ارزشهای غربی در اذهان عمومی چنین تبلیغ کنند که مردم مسلمان ایران بدلیل خسته شدن از ارزشهای دینی - مذهبی به ایده های غربی روی آورده اند و فرهنگ اسلامی جذابیت و ظرفیت لازم را برای تامین نیازهای فرهنگی اقشار مختلف مردم ندارند. دشمنان انقلاب اسلامی چنین تبلیغ می کنند که حکومت اسلامی از ایجاد فضای فرهنگی باز وحشت دارد و با تبلیغ در زمینه «تهاجم فرهنگی» درصدد است ضعف اسلام در تبادل فرهنگی با مکاتب و نظامهای دیگر را پنهان کند. در تبلیغات غرب به گونه ای برخورد می شود که مردم ایران از شعارهای انقلابی خسته شده اند و نصب تابلوهای رنگارنگ تبلیغاتی در خیابانهای پایتخت نشانه چنین احساسی است. به نظر می رسد غرب در پی تثبیت نظام جمهوری اسلامی در صحنه بین الملل، به خوبی دریافته است که تشدید تبلیغات فرهنگی بر ضد انقلاب و به تعبیر دیگر تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی مهمترین روشی است که باید مورد توجه بیشتر محافل سیاسی - خبری تبلیغاتی غرب قرار گیرد. چرا که تردیدی نیست پس از عبور از مرحله تثبیت، بازسازی اقتصادی - اجتماعی فرهنگی مهمترین دستور کار انقلاب است. در زمینه اجتماعی نیز مهمترین محور تبلیغاتی غرب در ماههای اخیر، ضعف مدیریت عمومی کشور و احتمال بروز آشوبهای اجتماعی است. در حالی که آمار حکایت از رشد منفی مهاجرت مغزها از کشور را دارد در رسانه های گروهی غرب چنین تبلیغ می کنند که به دلیل برخورد نامناسب با علم و فرهنگ و تخصص در ایران، مهاجرت مغزها شتاب بیشتری گرفته است. در این تبلیغات برخورد با معدود زنان فاسد و مروجان فساد غربی، تضييع حقوق زنان نام می گیرد و چنین تبلیغ می شود که در نظام اسلامی زنانی که حتی مقداری از موهایشان در معرض دید باشد در ملاء عام شلاق زده می شوند و حتی گروههای افراطی به صورت آنها اسید می پاشند. برخی دیگر از محورهای تبلیغات اجتماعی - فرهنگی رسانه های وابسته به استکبار به شرح زیر است:

- ۱- اختلاف روحانیون حاکم در خصوص نحوه حفظ ارزشهای دینی (درگیری بین محافظه کاری مذهبی و پراگماتیسم دینی).
- ۲- ایجاد تفرقه بین مسلمانان از طریق تلفیق دین و سیاست و تشویق مسلمانان به حرکتهای سیاسی مبتنی بر مذهب (اختلاف بین شیعه و سنی)
- ۳- فشار دولت بر روزنامه ها و رسانه های جمعی برای جلوگیری از انتشار مطالب و وجود خفقان و قشری گری مذهبی در ایران.
- ۴- ایجاد اختلافات بین طبقات اجتماعی و بروز اختلافات بین اقشار مردم و

ملیت‌های مختلف.

استکبار علیه‌رغم تلاش‌های فراوانی که از طریق رسانه‌ها و بوق‌های تبلیغاتی خود برای تاثیرگذاری بر فرهنگ انقلابی و اسلامی به کار برده، کمتر به نتیجه رسیده است. زنان با درک موقعیت والای خود در تعالیم دینی و نقشی که در برهه‌های مختلف، از جمله پیروزی انقلاب، جنگ تحمیلی و عرصه‌های سیاسی داشته‌اند، هرگز مفتون تبلیغات نادرست نشده‌اند. از دیدگاه زن ایرانی، غرب صرفاً بدنبال آن است که در ایران انقلابی نقش او به تدریج رنگ ببازد و با مشغول شدن به ظاهری که در غرب روی آن تبلیغ می‌شود، از تاثیر فعالیتش در صحنه اجتماعی جامعه کاسته شود.

زن ایرانی در برابر دیدگاه خود بازیابی هویت خود را مشاهده می‌کند. مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، علمی و سیاسی پدیده‌ای نیست که به راحتی قابل انکار باشد. به همین دلیل است که رسانه‌های غربی تلاش دارند این بخش مهم از نقش زنان جامعه را مکتوم و پنهان نگاه دارند و با بزرگ‌نمایی برخی مشکلات جامعه اسلامی که راه حل آن را باید در داخل همین جامعه جست، زن ایرانی را به تحفه‌های غربی دلخوش کنند.

(کیهان ۱۹ بهمن ۱۳۷۶)

خیرات و مبرات «آزادی» و بخشش «حقوق» به مردم در نظام فقها

در نظام دموکراسی مردم با انتخاب دولت خویش و دادن حقوق و اختیارات قانونی به او برای اداره مملکت عملاً حاکم و فرمانروای کشور خویشند. اما در نظام استبدادی که دولت بجای مردم حکومت می‌کند تمام حقوق و آزادی‌های مردم به دولت منتقل می‌شود. نمونه‌ی بازر چنین نظامی نظام فقهاست که انتقال حقوق مادی و معنوی مردم را بعنوان یک ملت صغیر بموجب قانون اساسی خویش رسماً «قانونی» کرده است. اما مبارزات ۱۹ ساله مردم علیه رژیم که در چند ماهه اخیر شدت بیشتری یافته است نظام را برای جلوگیری از انفجار مجبور به خیرات «آزادی» و حقوق حرفی نه «عملی» در بین مردم کرده است، آنهم با منت گذاری به مردم. «ادعای آزادی دادن به مردم» بزرگترین اهانت به مقام والای انسانی است. زیرا «آزادی» و «آزاد زیستن» و «آزاد اندیشیدن» از حقوق مسلم و طبیعی هر موجود زنده‌ایست تا چه رسد به انسانها که اشرف مخلوقات در کوره زمین‌اند. بنا بر این آزادی خیرات کردنی نیست کما اینکه تاکنون هیچکس در جهان مدعی چشم و یا دست و پا دادن به انسانها نشده است. به چند نمونه از خیرات و مبرات «آزادی» رژیم توجه فرمایید.

رئیس جمهور: صاحبان اندیشه باید حق اظهار نظر داشته باشند - دولت از پیشنهادها و انتقادات گروههای مختلف استقبال میکند - صاحبان اندیشه باید حق اظهار نظر داشته باشند - انسانها آزادند نظر بدهند اما همه باید طبق قانون عمل کنند - دموکراسی مورد نظر اسلام به مفهوم دیکتاتوری اکثریت نیست و اقلیت حق دارد آنچه را که حق می داند بگوید.

وزیر کشور: مدیران نظام اسلامی باید انتقاد پذیر باشند. نباید برای مردم این توهم بوجود آید که نمی توانند حرف خود را درباره مسائل انقلاب و امور کشور به زبان آورند.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور - مردم حق دارند بفهمند پس از بیانات رهبر انقلاب مسئولین چگونه با ثروتهای بادآورده برخورد می کنند.

اگر در یک نظام دموکراسی چنین کلمات و جملاتی آنها با استفاده از کلمات امری «باید» و «نباید» از زبان یکی از مقامات مملکتی بیرون برآورد مردم دهان آن مقام را خورد خواهند کرد زیرا در چنین نظامی نه تنها اعتراض و انتقاد و اظهار عقیده و اعتصاب از حقوق اولیه و ابتدائی مردم است بلکه ساقط کردن دولتها نیز از حقوق اساسی آنهاست. اگر این حضرات با چنین رویه ای پیش بروند فرداست که در دفاع از «آزادی» خواهند گفت: مردم حق دارند غذا بخورند، مردم حق دارند راه بروند، مردم حق دارند نفس بکشند.

در جملات مذکور فقط حق اظهار عقیده و انتقاد به مردم «مرحمت» شده و کوچکترین اشاره ای به حق حاکمیت مردم «طبیعی ترین حقوق انسانها» نشده است. زیرا حاکمیت فقط از حقوق فقهاست. این عبارات و جملات ثابت می کنند که در این ۱۹ ساله عمر نظام فقها، مردم حتی از حق اظهار عقیده هم محروم بوده اند. اکنون این دولت جدید است که می خواهد این حق را به مردم اهدا کند! البته این محرومیت همچنان ادامه دارد مگر آیت الله منتظری جز یک اظهار عقیده چه کرده بود که کمر به قتلش بستند؟

وحشت و اضطراب رژیم از تظاهرات انجمن های اسلامی دانشجویان علیه رژیم انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاهها، نهادهایی که رژیم برای حمایت از خویش بنیانگزاری کرده است، اکنون علیه نظام خاصه «ولی فقیه» سرسختانه پیاخته اند و این

شدیدترین ضربه به پیکر رژیم است زیرا جوانانی که از پیش آهنگان حمایت از رژیم بودند اکنون بصورت پیش آهنگان مخالفت با آن درآمده اند.

یادداشت روز روزنامه کیهان مورخ شنبه ۲۳ اسفندماه ۱۳۷۶، ارگان مستقیم رهبری گوشه ای از وحشت و اضطراب رژیم و خطر بزرگی که او را تهدید می کند منعکس نموده است:

«... تأسف بارتر از وقایع ناگوار هفته های گذشته در مورد درگیری جناحهای مختلف دانشجویی با یکدیگر، تغییر محسوسی است که طی سالهای اخیر در اندیشه و عمل برخی از افراد انجمنهای اسلامی دانشجویان وابسته به دفتر تحکیم وحدت به وجود آمده است. این تغییر فکر و رویه که در شکل وابسته شدن نفراتی از دست اندرکاران این انجمن ها به گروهها و جریانات ورشکسته سیاسی سالهای اول انقلاب متجلی شده، نشان دهنده دگرگونی اساسی در مبانی ارزشی و آرمانی این دوستان است.

به این واقعه ناگوار توجه کنید: در نشستی که به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در دانشگاه فردوسی مشهد از سوی انجمن اسلامی دانشجویان برپا شده بود، سخنرانان بیرون و درون انجمن اسلامی، به مطالبی اشاره کردند که به دلیل شدت انحراف و بیگانگی از اسلام و انقلاب و آرمانهای امام (ره) از نقل مستقیم آنها معذوریم فقط می توان گفت که بسیاری از مطالب مطرح شده در آن تجمع ادعای ورشکستگی سیاسی و ضد انقلاب علیه مقدسات اسلامی، باورهای انقلابی و شخص حضرت امام بوده است.

حالا تصور بفرمایید که کسانی تا بلوی «انجمن اسلامی» را که یک یادگار مبارک از انقلاب و اسلام است، بر سر دست گیرند اما شعارهایی که زیر این تا بلوسر می دهند، در تخطئه اسلام و انقلاب باشد! تعبیر صریح و بی پرده ای که درباره این گونه دگرگونیها میتوان به کار برد، واژه «کودتا» است؛ البته کودتا علیه آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی. در این صورت آیا وظیفه آنها که بر حسب شان و مسئولیت شان در این نظام باید پاسدار حریم و ارزشهای آن باشند، اقتضا نمی کند که اقدام بازدارنده ای کنند؟ آیا نیروهای انقلابی و وفادار به خط امام نباید علیه این «کودتای ارزشی» برخیزند و لااقل تا بلوی را که اغیار از دست خودیها ربوده اند، از تصرف و حاکمیت آنها خارج کنند؟

اکنون که این بیداری در نیروهای متعهد و دلسوز هر روز افزایش می یابد، باید معلوم شود که هر کس به دنبال چیست و از کدام آرمانها جانبداری می کند؟ اگر روند توسعه سیاسی در کشور اقتضا می کند که دیگران - غیر خودیها - هم به صحنه بیایند، بسیار خوب، اما چرا باید تا بلوی دروغین در دست خود بگیرند و نا پختگان ما را فریب دهند؟ به

آنها گفته شود که تا بلوی حقیقی خود را بلند کنند تا مردم تکلیفشان را با آنها بدانند؛ این یعنی «شفافیت سیاسی...»

نظام فقها با تشکیل احزاب دولتی تظاهر به آزادی می کند!

نظام فقها با اعلام آزادی «احزاب»، خود به تشکیل احزاب دولتی مبادرت نموده است. یعنی در تشکیل حزب نیز تحول از بالا آغاز گردیده است. بدین ترتیب که جناحهای هیئت حاکمه که تاکنون بصورت گروهی و بنامهای مختلف فعالیتهای سیاسی داشتند اکنون بنام «حزب» همان فعالیتهای گذشته خود را ادامه میدهند.

چون به موجب «قانون!» اجازه فعالیتهای سیاسی با دولت است بنا بر شیوه پسندیده و معمولی رژیم، از داوطلبان تشکیل احزاب «غیر خودی» و مستقل «رد صلاحیت» می شود. بعنوان نمونه به تاسیس چند حزب دولتی جدید اشاره می کنیم:

روزنامه جامعه نوشته است: «احزاب جدیدی در کمیسیون ماده ۱۰ تقاضای تاسیس حزب داده اند که «مدافعین جامعه مدنی» از آن جمله است، نام «زهره شجاعی» مشاور رئیس جمهور در امور بانوان، «موسوی لاری» معاون امور حقوقی و مجلس ریاست جمهوری «مرتضی حاجی» وزیر تعاون، علی خاتمی رئیس بازرسی ریاست جمهوری بعنوان مسئولین این حزب به چشم می خورند.

بنا بر گزارش روزنامه سلام، وزارت کشور به گروهی از نمایندگان مجلس و مسئولان رژیم که تعداد آنها در حدود سی نفر می باشند اجازه تاسیس یک حزب سیاسی به نام «همبستگی ایران اسلامی» را داده است. به گزارش همین روزنامه سه حزب سیاسی دیگر نیز مراحل پایانی مقدماتی اعلام موجودیت خود را پشت سر می گذارند. این سه حزب عبارتند از: «کارگزاران سازندگی» که در حال بررسی نهایی اساسنامه خود می باشند و بزودی اعلام موجودیت خواهد کرد ۲- جمعی از اعضای ستاد انتخاباتی آقای خاتمی نیز در صدد بنیان گذاری حزبی بنام جمعیت مدافعین جامعه مدنی ایران می باشند ۳- روسای «خانه کارگر» و «مجمع نمایندگان کارگران مجلس» نیز در تدارک ایجاد حزبی به نام «حزب کارگران ایران» هستند...

مسئله روز: برقراری رابطه با آمریکا

از مدافعین برقراری رابطه با آمریکا - خوئینی ها مدیر روزنامه سلام و رهبر گروهانگیری سفارت امریکا که در پیروزی آقای خاتمی نقش اساسی داشته است در راس

مدافعین رابطه با امریکا قرارداد دارد. او در حقیقت منعکس کننده عقاید جناح روحانیون مبارز است، جناحی که آقای خاتمی نیز یکی از اعضای موسس آن می باشد.

خوئینی ها با استفاده از هر فرصتی موضوع رابطه با گروگانگیری را به میان می کشد و از آن دفاع میکند. او در شماره ۱۳ بهمن ماه روزنامه سلام به بهانه پاسخ به سوال یکی از خوانندگان خود، مقاله ای تحت عنوان «جان کلام» نوشته است. این مقاله در حقیقت پاسخ غیر مستقیم جناح روحانیون مبارز به رهبر معظم و جناح راست است. نظر به اهمیت این مقاله که منعکس کننده جنگ شدید بین دو جناح حاکم در رابطه با امریکاست، به انتشار بخشی از آن مبادرت می شود:

جان کلام

... پیش از آن که به سؤال این خواننده محترم پاسخ دهیم لازم است ابراز تاسف کنیم از اینکه چرا بعضی گمان می کنند مساله رابطه و مذاکره با امریکا یک پرونده مختومه است و گمان می کنند حکم نهایی درباره این پرونده صادر شده است و تمام مردم این حکم نهایی یعنی قطع رابطه و رد هرگونه مذاکره ای را پذیرفته اند و دیگر نیازی به بحث مجدد ندارد؛ و اظهار تاسف از اینکه چرا عده ای گمان می کنند با نوشتن چند مقاله و محکوم کردن امریکا، تمام شبهه هایی را که در ذهن جامعه و جوانان ما وجود دارد پاسخ گفته اند و با مطرح نکردن سوالهای نسل امروز و فردا از طرح آنها گمان می کنند که صورت مساله را پاک کرده اند و دیگر مساله ای وجود ندارد. عده ای گمان می کنند چون خود مخالف رابطه و مذاکره با امریکا هستند و دلایل آنها بسیار محکم و غیر قابل خدشه است پس تمام مردم ایران آن را قبول دارند و یا باید قبول داشته باشند. آیا کسانی که گمان می کنند با نوشتن چند مقاله ضد آمریکایی و با شدت هرچه تمام تر محکوم کردن طرفداران رابطه با امریکا پرونده آن را بسته اند؟ آیا می دانند که امروز مخالفان رابطه با امریکا کمتر از ده سال پیش هستند؟ و آیا می دانند بخشی از این کاهش و یا به بیان دیگر بخشی از افزایش طرفداران رابطه با امریکا عملکرد جناحی است که رُست های ضد آمریکایی دو آتشه می گیرند ولی در رعایت بدیهی ترین حقوق شهروندان از امریکا هم عقب مانده ترند؟ پس بیایند بجای نوشتن مقالات «مشکوک» و سخنرانیهای مشکوک تر قدم به قدم با مردم حرکت کنند و اجازه دهند که آنان حرف بزنند. نسل امروز سوالهای خود را مطرح کند و به جای فحش و ناسزا گفتن به آنها پاسخ منطقی بدهند و مطمئن باشند مردم سخن منطقی را می پذیرند، اگر گفتید و نوشتید که ما مخالف رابطه با امریکا هستیم و هزار و یک دلیل متقن و مستحکم هم برای آن آوردید و بلافاصله گفتید و نوشتید هر کس جز این بگوید

مشکوک است، مردم خواهند گفت (البته در دل که صد بار موثرتر از زبان است) خود شماها مشکوکید، چرا باید همیشه با مردم با قلم و زبان فحش را بطنه برقرار کنیم؟ ما باید به مردم حق بدهیم که فکر کنند و حتی حق بدهیم که اشتباه کنند... بعضی از ما گمان می کنیم «مردم» همان کسانی هستند که حرف ما را قبول دارند! گمان می کنیم «مردم» تنها کسانی هستند که برای ما سینه می زنند و ما را قبول دارند! و گمان می کنیم تنها همین «مردم» اند که احترام دارند ولی غیر این «مردم» اولاً «مردم» نیستند و ثانیاً احترام ندارند! و در نتیجه مردمی که مانند ما مخالف رابطه با آمریکا هستند «مردم» اند و خوبند و قابل احترامند. ولی کسانی که طرفدار رابطه با آمریکا هستند اولاً «مردم» نیستند و ثانیاً احترام ندارند: پس می توان به آنان گفت افرادی مشکوک! می توان گفت ایدی استکبار! می توان گفت خودباخته! مرعوب! بی دین! فاسد! ضد انقلاب! بی هویت! مزدور! و دهها سخن ناروای دیگر. آری کسانی که با چنین اخلاقی شعار ضد آمریکایی می دهند سبب می شوند تا عده ای گمان کنند که آمریکا خوب است! وقتی عده ای که در عصر حاکمیت و بسط ید دولت اسلامی خود را متولی دین می دانند و به نام پاسداری از ارزشهای دینی توهین آمیزترین رفتار را با مردم روا می دارند و همین حال شعار ضد آمریکایی می دهند، مردم گمان می کنند که آمریکا خوب است!

دیروز و امروز

ثناگویی تنها برازنده ذات اقدس خداست

آیت الله بیات در سخنرانی خویش در مسجد اعظم اصفهان، شاخص جامعه مطلوب حضرت علی (ع) را نبودن فرهنگ تملق و چاپلوسی در آن توصیف کرد و گفت: در جامعه علوی مردم صاحب کرامتند و تنها در برابر پروردگار عالم سر تسلیم مطلق فرود می آورند و ثناگویی تنها برازنده ذات اقدس خداست» وی افزود: «در نظام علوی همه مردم حتی مخالفان صاحب حق هستند و نه دوستان به علت دوستی حق بیشتری می یابند و نه مخالفان به سبب مخالفت از حق خود محروم می شوند». آیت الله بیات با اشاره به این نکته که به اجبار نمی توان مردم را وادار کرد که کسی را دوست بدارند گفت: «چنین جامعه ای منحط و خفقان زده است.» (سلام ۴ بهمن ماه ۷۶)

تملق و چاپلوسی آفت انقلاب است

حجت الاسلام عبدالله نوری وزیر کشور در جلسه معرفی استاندار جدید گیلان گفت: «یکی از آفات جدی و خطر عمیقی که نظام و حکومت ما را تهدید می کند، تملق و چاپلوسی، تمجید و گزافه گویی هایی است که در جامعه بکار می رود». وی افزود: «همه ما باید در سخن گفتن منضبط باشیم و آنچه را شایسته نیست نگوئیم» (کیهان ۲۵ بهمن ۷۶)

موج عاطفه و شوق دیدار در کرانه خلیج فارس
امروز هرمزدگان صحنه عشق ملت به رهبر بود

کاروانهای «جان نثاران رهبر» امروز سراسر استان هرمزدگان برای استقبال از مقام عظمای ولایت و دیدار با معظم له به بندرعباس آمده بودند. هزاران تن از مردم خونگرم سواحل هرمزدگان برای ابراز عشق خود به ولی امر مسلمین با پای پیاده از مناطق مختلف استان خود به بندرعباس آمده بودند. برپایی ایستگاههای صلواتی در مسیر استقبال از حضرت آیت الله خامنه ای از فرودگاه تا مصلائی قدس بندرعباس، حال و هوایی خاص به چهره این شهر داده است. انتظار شیرین مردم مسلمان و شیفتگان مقام معظم رهبری در هرمزدگان صبح امروز به سر آمد و خطه نیلگون خلیج فارس مزین به مقدم مبارک ولی امر مسلمین شد. مردم این استان با شور و شوقی وصف ناشدنی از نخستین ساعات بامداد امروز با در دست داشتن شاخه های گل و پخش نقل و شیرینی مشتاقانه حرکت کردند تا از نزدیک پیر مراد خویش را زیارت کنند. عاشقان دیدار یار و دوستداران مقام ولایت با شعارهای «صل علی محمد، رهبر ما خوش آمد. خامنه ای رهبر ما خوش آمدی به بندر،

بندر شده منور از نور روی رهبر»، مشتاقانه رهبر معظم انقلاب اسلامی را از مسیر استقبال تا محل تجمع مردم همراهی کردند. مردم شهرهای مختلف استان با آذین بندی سر در منازل، کوچه ها و خیابانها و نصب پلاکاردهایی مراتب خشنودی خود را از سفر حضرت آیت الله خامنه ای به این خطه از میهن اسلامی ابراز داشتند...» (کیهان ۲۸ بهمن ۷۶)

مهرگان: و همه این تشریفات دولتی کاسه لیسان و متملقین بت ساز، با صرف صدها میلیون تومان از بودجه ملت فقیر، برای اثبات «محبوبیت!!» این «بت ویرانگر»، دلیل پایه های لرزان تخت او و تلاشی مذبحخانه برای حفظ اوست.

از سخنان خامنه ای در دیدار با علما و روحانیون و مبلغان دینی

* امروز هر کس شایعه اختلاف را تقویت کند مانند کسی است که به اصل اختلاف دامن می زند

* دشمن سعی می کند اختلاف ایجاد کند، اگر هم دیده نمی شود، سعی می کند شایعه پراکنی کند که به اختلاف هست.

از سخنان خامنه ای در نماز جمعه تهران

* دشمن تبلیغ می کند که فلان کس به آمریکا گرایش دارد و فلان کس به غرب گرایش دارد برای این که شاید بتواند در داخل دلهایی را متزلزل کنند و در بین مردم اختلاف بیاندازند.

* یکی از چیزهایی که امروز دشمنان روی آن حساسیت دارند اینست که بگویند در بین مسئولان و دست اندرکاران نظام یا بین مردم و مسئولان اختلاف هست.

اختلاف شدید در سطح رهبران

از مصاحبه حجت الاسلام خاتمی با مخبر تلویزیون CNN :

* من به ملت بزرگ آمریکا احترام می گذارم، آمریکا دارای تمدن درخور احترامی است و وقتی ما متوجه ریشه این تمدن می شویم احترام ما بیشتر می شود.

* ما با انقلابمان داریم مرحله جدیدی از بازسازی تمدن را تجربه می کنیم و احساس می کنیم آن چیزی را که ما میخواهیم، همانی است که قبل از آن چهار قرن قبل بنیانگذاران تمدن امریکایی هم در جستجوی آن بودند. ما از این جهت خودمان را از نظر فکری نزدیکتر با پایه تمدن امریکایی می دانیم.

* ملت آمریکا پیشتر مبارزات استقلال طلبانه است و در راه استقلال قربانیان زیادی داده است که بالاخره منجر به اعلامیه استقلال آمریکا شد که هنوز هم از بیانیه ها و اسناد مهم درباره حرمت و حقوق انسانی است.

* هیچگاه هیچکس قصد جسارت به ملت آمریکا را ندارد و حتی به نظر ما دولت آمریکا هم دولتی قانونی و منتخب مردم است.

* اگر شعاری در ایران داده می شود شما بعنوان خبرنگار از همه کسانی که شعار می دهند پرسید که آیا شعار آنها متوجه مردم آمریکاست همه خواهند گفت نه. نه تنها به مرگ مردم آمریکا راضی نیستیم بلکه آنها را مردم بزرگی می دانیم. حتی منظور نابودی و براندازی حکومت آمریکا هم نیست بلکه سمبلی است از مرگ نوعی رابطه میان ایران و آمریکا.

* بنده هم در زمینه مثلاً آتش زدن پرچم آمریکا به هیچ وجه با آنچه باعث جریحه دار شدن احساسات ملت و رمز و نمونه ملیت یک کشور باشد موافق نیستم که این کار بشود، تا آنجا که میدانم رهبر معظم انقلاب و متولیان بالا هم راضی نیستند. ممکن است یک حرکتی باشد که مورد قبول ما هم نباشد صورت بگیرد، اما من مطمئن هستم همان کسانی که آن کار را می کنند قصد جسارت به مردم آمریکا را ندارند. امیدوارم کارهایی که ممکن است تلقی شود که بر ضد ملت و مردم آمریکاست صورت نگیرد.

از سخنان خامنه ای در نماز جمعه:

* ملت ما زنده و مقتدر است و اجازه نمی دهد پای شیطان بزرگ به ایران باز شود.
* مذاکره و رابطه با آمریکا برای ملت ایران هیچ فایده ای ندارد، بلکه مضر به آن است.
* جمهوری اسلامی و ملت ایران هیت آمریکا را در جهان شکستند.
* بعضی از متصدیان امور مطبوعاتی که پای بندی های انقلابیشان آن قدر نیست که ما توقع داریم در برخی مطبوعات متاسفانه همان جویری مشی می کنند که دشمنان انقلاب و ملت ایران و مثلاً آمریکا مشی می کنند.

از سخنان خامنه ای در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان

* مذاکره با آمریکا برای ایران زیان آور و از رابطه بدتر است.
* مذاکره سیاسی با آمریکا برای سیاست، فرهنگ، روحیه مردم و عمق استراتژیک نظام در خارج از کشور مضر است.

* ما مذاکره با آمریکا را از آغاز نفی کرده و اکنون نیز نفی می کنیم

* ملت امریکا مثل سایر ملتها خوبی ها و بدی ها دارد که مربوط به خودشان است.

از سخنان خامنه ای در دیدار با دانشجویان و دانش آموزان:

- * برای ملتی که نمی خواهد تسلیم شود مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی را حل نمی کند.
- * اشتباه نکنید مرگ بر آمریکا شعار محض نیست، یک مسئله منطقی است، خردمندانه و کاملاً منطبق با مصالح ملی است.
- * مبارزه با آمریکا به این خاطر است که امروز مظهر استکبار در دنیا رژیم امریکا است.
- * سیاست روشن آمریکا در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایران این است که میل ملت ایران به استقلال و روحیه مبارزه طلبی و تسلیم ناپذیری او ریشه کن شود.
- * برخلاف ما که با رژیم آمریکا نه ملت آن مواجهیم رژیم امریکا با ملت ایران مواجه است و از او ناراحت و خشمگین است.
- * امریکایی ها برای تبلیغ غیر مستقیم در داخل هم ایادی دارند. کسانی که تبلیغ می کنند «مگر می شود با آمریکا قطع رابطه داشت و زندگی کرد، با رابطه مشکلات برطرف می شود» این حرفها پوچ و بی مغز و بکلی عاری از حقیقت است.

اختلاف شدید در سطح کارگزاران رژیم

از سخنان وزیر کشور در مصاحبه با خبرنگاران:

* سخنان احساسی، تند و عصبانیت و تهدید دور از شان یک قاضی است چه رسد به رئیس قوه قضائیه.

- * همه مهاجمین به مجمع دانشجویان شناسایی و به قوه قضائیه معرفی می شوند.
- * رسیدگی به پرونده شهرداری تهران و نحوه بازجویی ها و دستگیریها ابهاماتی دارد.

از سخنان مهاجرانی وزیر ارشاد و سخنگوی دولت:

* رئیس قوه قضائیه باید در خصوص شبهه ایجاد شده برای محدود کردن حقوق مطبوعات پاسخ دهد.

- * خبرنگاران باید با آزادی واقعی، و اطمینان خاطر به امر خبررسانی اقدام کنند.
- * هیچ خبرنگاری نباید احساس کند که حکومت در امر خبررسانی برای او محدودیت ایجاد می کند.

* همه باید تلاش کنیم تا مطبوعات بتوانند بعنوان چشم و گوش نظام و انقلاب وظایفش را بخوبی انجام دهد.

در ترازی زمان

اخبار و مسائل فرهنگی

تحول از بالا

یکی از اصول اجرایی نظام فقها «تحول از بالا» است. یعنی قیومت فقها از یک ملت صغیر. این اندیشه و مکتب اسلامی آیت الله خمینی بود که مردم را صغیر و ولی فقیه را قیم آنها می دانست. در نظام «تحول از بالا» همه نهادهای مردمی، دولتی است و دولت فرمانفرما و ملت فرمانبردار است. همچنان که انتخابات و تعیین و معرفی نامزدهای انتخاباتی دولتی است. در این نظام آزادی دموکراسی نیز دولتی و به مالکیت دولت درآمده است. بر اساس تحول از بالا بجای آن که دانش آموزان خود مستقلاً سازمانی برای خویش تشکیل دهند. دولت به تشکیل آن مبادرت می کند. این روش ضد آزادی نیز به دلیل تداوم متد و طولانی در جامعه، بصورت امری طبیعی درآمده است. به خبر زیر توجه فرمایید:

یک سازمان دانش آموزی سراسری تشکیل می شود

رئیس جمهور روز یکشنبه در مراسم افتتاح همایش دانش آموزی طرح «بنمار» از وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه خواست تا هرچه سریعتر نسبت به تشکیل «سازمان دانش آموزی» در سطح کشور اقدام کنند.

آقای محمد خاتمی در جمع دانش آموزان برگزیده مسابقه فرهنگی «بنمار» اظهار داشت: مسئولان باید زمینه ای را فراهم آورند تا سرمایه های بزرگ کشور بتوانند شخصیت والای خود را ابراز کنند.

رئیس جمهور اظهار داشت: ما باید زمینه ای فراهم آوریم که دختر و پسر جوان ما بتواند در فضایی آزاد سخن خود را بگوید و به سخن های دیگران نیز گوش فرا دهد.

آقای خاتمی در تشریح نحوه تشکیل سازمان دانش آموزی گفت: این سازمان نباید اجباری باشد بلکه باید دانش آموزان داوطلبانه و با اشتیاق در آن شرکت و برنامه ریزی کنند.

آقای خاتمی همچنین از مسئولان آموزش و پرورش خواست تا برای تشکیل سازمان دانش آموزی پرسشنامه هایی تنظیم و میان دانش آموزان توزیع شود تا آنها درباره چگونگی پیوند مدرسه و جامعه سخن بگویند و توقعشان را از این سازمان مطرح کنند.

آقای خاتمی از این که برخی جوانان مجذوب فرهنگ و گروههای منحرف غربی می شوند ابراز تاسف کرد. رئیس جمهوری گفت: باید با فراهم کردن زمینه حضور جوانان در صحنه های مختلف جامعه از این که آنها با «تیپ» و ظاهری خاص در جامعه ظاهر شوند

جلوگیری کنیم. در اسلام انسانی که «دنیا مراد» و بنده دنیا باشد بد است نه انسانی که دنیا را می خواهد.

آقای خاتمی افزود: باید اجازه دهیم جوانان ما هر سوالی در مورد دین، قانون، جمهوری اسلامی، سیاست و فرهنگ در ذهن دارند بپرسند زیرا اگر سوالها را در درون خود ببلعند تنش اجتماعی و انحراف بوجود می آید.

رئیس جمهور گفت: ما نیازمند فکر، اندیشه، پویایی و شخصیت جوانان در جامعه هستیم و از آن بهره می بریم. قصد داریم با اینگونه فعالیتها مشارکت نسل جوان را در امور مختلف کشور توسعه دهیم. (اطلاعات ۲۸ بهمن ماه ۷۶)

مهرگان: وقتی بنام دولت قیم وار بدیسی ترین حق این نوجوانان را برای تشکیل سازمان دانش آموزی از آنها سلب می کنیم، چطور انتظار «رشد فکری و پویایی اندیشه و شخصیت جوانان» را داریم؟

بین دانشجویان دختر و پسر در کلاس چادر کشیده می شود!

یک دانشجو: شما که به دانشجویان اعتماد ندارید چطور می توانید آینده کشور را به دست آنها بسپارید؟ وقتی در دانشگاهی بین خواهران و برادران چادر کشیده می شود و یا از ورود برادران به محیط دانشکده جلوگیری می شود آن هم به علت حضور خواهران در محیط و یا مراقبتهایی که می شود و بنام اسلامی کردن دانشگاهها تمام می کنند، کدامین اعتماد باقی می ماند و یا کدامین روحیه برای دانشجویان باقی می ماند؟

پاسخ روزنامه سلام: اگر ما اجازه داشته باشیم از طرف کسانی که این کنترل ها را اعمال می کنند پاسخ دهیم، عرض می کنیم که ما به دانشجویانی برای اداره آینده کشور اعتماد می کنیم که در محیط دانشگاه تحت چنین مراقبتهای ویژه ای فارغ التحصیل شده باشند. راستش این است که باید به دانشجویان - پسر یا دختر - آموخت که در معاشرت با یکدیگر حریم هایی را که اسلام قرارداده است مراعات کنند که هم برای سلامت جامعه و دنیایشان مفید است و هم برای آخرت. باید با کمک دانشجویان محیط سالمی را در کنار یکدیگر فراهم نمود. (روزنامه سلام)

آسیب پوستی دختران برای پوشیدن حجاب در محیط داخلی مدارس

روزنامه فردا درباره حجاب در مدارس دخترانه می نویسد: «رفع حجاب دانش آموزان دختر در محیط داخلی مدارس ابتدایی چندی است که مورد بحث برخی از مسئولان آموزش

و پرورش قرار گرفته است. نماینده ولی فقیه در استان فارس و امام جمعه شیراز می گوید: در صورتی که محیط مدرسه محرم سازی شود و از ورود نامحرمان به داخل مدرسه جلوگیری به عمل آید، حضور دختران مدارس ابتدایی در کلاس، بدون حجاب اشکال ندارد. حایری شیرازی اظهار میدارد: نمی توان گفت که این مسأله موجب می شود که دانش آموزان به بی حجابی عادت کنند زیرا آنان در محیط خانه بدون روسری و چادر زندگی می کنند.

استاندار فارس، چندی پیش در مراسم معارفه مدیر کل جدید آموزش و پرورش فارس به آسیب پوستی برخی از دانش آموزان دختر به علت استفاده از حجاب در هوای گرم اشاره کرد. به گفته وی اجباری کردن حجاب برای دختران دانش آموز دبستانی نه تنها اثر تربیتی ندارد بلکه آنها را به حجاب بیعلاقه خواهد کرد.

طرح نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره محرم سازی مدارس

از روزنامه کیهان ۱۱ بهمن ماه ۷۶ - یکی از اهداف اساسی نظام آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان و نسل جوان کشور می باشد و این آموزش در زمینه واجبات دینی و فرهنگی علی الخصوص حجاب، برای دختران دانش آموز می تواند، ضمانت سلامت فردی، روانی و بهداشتی جامعه اسلامی را در پی داشته باشد. در پی طرح محرم سازی مدارس در مجلس شورای اسلامی بر آن شدیم تا نظرات نمایندگان مخالف و موافق این طرح را جویا شویم. مضامین اصلی این طرح، نامحرم زدایی از سطح مدارس دخترانه و استفاده از محل اعتبار مربوط به نوسازی مدارس برای رفع اشرف ساختمانهای مدارس است.

به نظر خانم رمضان زاده نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی اولین تاثیری که پیاده کردن این طرح روی ذهن دانش آموزان دختر دارد، آن است که می فهمند آنجایی که نامحرم وجود دارد و لازم است از نامحرم پوشیده باشند کجاست. وضعیت دانش آموزان در فضاهای آموزشی محدود ما به گونه ای است که با انجام تدابیر لازم در زمینه محرم سازی محیط می توان شیوه های استفاده از ساعات ورزشی و استفاده از فضای باز حیاط مدرسه را به آنان آموخت.

وی می گوید: انجام این طرح را در ۳ مرحله می توان پیش بینی نمود. اولین مرحله، تعیین فضاهای آموزشی موجود به شرایط مطلوب است. این عمل در بسیاری از اوقات با تغییرات جزئی مثل مستور کردن شیشه ها، افزایش ارتفاع دیوارها به حد مناسب و... می

توان انجام داد. مرحله دوم، خریداری ساختمانهای اطراف مدرسه و یا احداث ساختمانهای جدید با طراحی های لازم جهت حفظ حریم دانش آموزان و مرحله سوم، ایجاد فضاهای ورزشی مناسب و مسقف طوری که دانش آموزان آزادانه و بدون حجاب بتوانند در آنجا ورزش و بازی کنند. خانم فیاض بخش نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی نیز دلیل مخالفت کمیسیونهای مجلس با این طرح را داشتن بار مالی آن میداند و می گوید: من با اجرای این طرح در دبیرستانها و راهنمایی مخالفم اما با اجرای آن در مدارس ابتدایی موافق هستم.

سید محمود حسینی واعظ، نماینده مردم رامیان در مجلس شورای اسلامی در مورد این طرح گفت: ما پس از ۱۹ سال گذشت از انقلاب هنوز از نظر تامین معلم و زندگی او، کلاس کمبود داریم. هنوز امکانات و ملزومات موجود از نظر فضا، نور، هوای مناسب، تخته سیاه و... به حد کافی نیست چه برسد به نظام آموزشی بهینه که مستلزم فن آوری و شبکه اطلاع رسانی و تکنولوژی آموزش کار آمده است. بحث بعدی من این است که ما از طراحان این طرح می پرسیم شما در جهانی که هر روز دیوارها در آن فرو می ریزد و مرزها برداشته می شود دهکده جهانی تحقق یافته است، چرا می خواهید حصارها را برافراشته کنید و دیوارهای بلند بسازید؟ بیاید با این هزینه ها همراه با تعالیم الهی و ائمه معصومین (ع) اخلاقیات جوانان را بسازیم. این حرکت یعنی محرم سازی مدارس دخترانه.

نظریه یکی از همکاران مهرگان: برای محرم سازی مدارس دخترانه بلند کردن دیوارها و سیاه کردن شیشه ها کافی نیست. باید ب فکر پوشاندن آسمان فضای مدارس باشیم زیرا کلاغهای هرزه نامحرم تر از آدمهای هرزه اند.

او پیشنهاد می کند: زندانها بهترین بناهای محرم سازی اند. اگر مسئولین مربوطه دختران را برای تحصیل به زندانها منتقل کنند آنها مصونیت کامل از چشم نامحرمان خواهند داشت.

ما کجائیم در این بحر تفکر تو کجا

چشم براه کتاب

از: دبستان شهید حاجی پور شهنیاء از توابع شهرستان دیر - بوشهر
به روزنامه سلام:

احتراماً به استحضار می رساند این آموزشگاه در سال ۱۳۶۹ تأسیس شده است که متأسفانه تاکنون فاقد کتابخانه می باشد، لذا از مسئول گرامی و محترم تقاضا داریم با اهداء چند جلد کتاب یا نشریه مربوط به گروه سنی دبستان در ثواب تأسیس کتابخانه این